

مصطفی ایزددوست^۱

مؤسسه مطالعات بین‌الملل چین که مرکز تحقیقات وابسته به وزارت خارجه این کشور می‌باشد از تاریخ ۲۹ لغایت ۳۰ فروردین ۱۳۸۵ کنفرانسی را به‌منظور توسعه سازمان شانگهای برگزار نمود. نگارنده این گزارش به نمایندگی از دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی در اجلاس شرکت و مقاله‌ای در خصوص جایگاه و موقعیت پیمان شانگهای ارائه داد که تلخیصی از آن در پی می‌آید.

دولت جمهوری اسلامی ایران، کلیه کشورهای عضو سازمان شانگهای و کشورهای ناظر را به‌عنوان دوستان خود می‌داند و با همه آن‌ها دارای رابطه خوب سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. اگرچه برخی از این کشورها در برهه‌ای از تاریخ خود در مجموعه حاکمیت دیگری بوده‌اند ولی امروزه به‌عنوان کشورهای مستقل و دارای حق حاکمیت به حساب می‌آیند که برای صلح و توسعه در تلاش هستند. غالب این کشورها از فرهنگ و تمدن کهن برخوردارند و مردم ما از قدیم دارای تعاملات مختلفی با آن‌ها بوده‌اند و امروز نیز دول این منطقه به آن درجه از بلوغ و ابتکار رسیده‌اند که اگر اختلافات مختصری پیش آید آن‌ها را با درایت و دیالوگ حل و فصل نمایند. دوستی تاریخی و فرهنگ و تمدن ملل عضو سازمان گواه آن است که احتمال وقوع جنگ فرهنگ و تمدن‌ها در این منطقه امری غیر قابل حصول است. ولی کلیه کشورهای عضو سازمان شانگهای و از جمله جنوب و غرب آسیا هم‌اکنون با تهدیدات جدیدی مواجهند که به شکل «تهدیدات غیر مرسوم» می‌باشند که شبکه‌های تروریستی و سیاست‌های هژمونیک عامل آن می‌باشند. در خصوص اینکه چه نوع

۱. آقای مصطفی ایزددوست محقق مرکز مطالعات آسیا و اقیانوسیه است.

تهدیداتی را باید تهدیدات غیرمتعارف بحساب آوریم مباحث متنوعی مطرح گردیده و گفته شده «خطرات بالقوه‌ای که منشاء آن ابزار نظامی و یا تهدیدات کشوری خاص علیه کشوری دیگر نمی‌باشد» مصداق تهدیدات غیرمتعارف می‌باشند. تهدیدات غیرمتعارف که غالباً از جانب شبکه‌های تروریستی صورت می‌گیرند درجات مختلفی از تهدید را بر امنیت ملی و منطقه‌ای باقی می‌گذارند مثل تهدیدات روانی و ذهنی، تهدیدات فیزیکی و تهدیدات محیطی و اکولوژیک. در بین این تهدیدات می‌توان از جمله به تروریسم، جنایات سازمان یافته، قاچاق اسلحه و مواد مخدر و وسایل کشتار جمعی فقر و بیماری‌های واگیردار اشاره کرد. این تهدیدات به قدری پیچیده و چند جانبه‌اند که کشورها به تنهایی نمی‌توانند با آن‌ها مقابله کنند و از طرف دیگر سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های غیر دولتی و منطقه‌ای به دلیل ضعف پرسنلی و مالی قادر به این کار نبوده و نیستند. پیمان شانگهای که در تاریخ ۱۵ اکتبر ۲۰۰۱ در بین چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان برقرار گردید پاسخ مناسبی به این تهدیدات بود. ولی در عین حال این سازمان باید همکاری بیشتری با سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای ذینفع داشته باشد تا موجبات اثربخشی خود را بیش از پیش تقویت نماید. سازمان شانگهای باید به مسائل منطقه‌ای توجه بیشتری نماید و به‌عنوان همکار سازمان ملل متحد در منطقه فعال شود و سازمان ملل را که در اثر سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه آمریکا تضعیف شده تقویت نماید. در ادامه مقاله پیشنهاداتی به منظور تقویت جایگاه سازمان داده شد و از جمله پیشنهاد شد که سازمان همکاری‌های مردمی را افزایش دهد و تنها به مذاکرات و همکاری‌های رسمی دولتی بسنده نکند، قوانین یکسانی برای مبارزه علیه اعمال جنایتکارانه و تروریسم تنظیم شود، ملاحظات فرهنگی در صدر تصمیم‌گیری‌ها قرار گیرد و مطالعات قوم‌شناسی و اجتماعی در بین اعضاء تقویت شود.

- صحنه گردانان اصلی اجلاس‌های سازمان، دولت‌های چین و روسیه خواهند بود که به دنبال تثبیت موقعیت برتری برای خود در سیستم تصمیم‌گیری در سازمان شانگهای می‌باشند و طرح «ریاست مشترک دائمی»^۱ را پیگیری خواهند نمود. کلیه رؤسای دولت‌های

1. Permanent co- Chairmanship

عضو پیمان شانگهای و کشورهای ناظر در اواسط خرداد ماه در چین تشکیل جلسه خواهند داد و از ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران نیز دعوت صورت خواهد گرفت.

- تاکنون سیستم تصمیم‌گیری سازمان بر اصل توافق همه اعضاء استوار بود و رأی اکثریت ملاک نبود. برخی از کشورهای کوچک پیمان شانگهای نظیر قرقیزستان نسبت به سیستم تصمیم‌گیری در سازمان انتقاد دارند و می‌گویند تاکنون پیمان شانگهای تنها مجری خواسته‌های روسیه و چین بوده و در عمل به خواسته‌های امنیتی و اقتصادی کشورهای کوچک توجه نشده است.

- پیمان شانگهای در اثر رقابت‌های چین و روسیه بر منابع آسیای مرکزی در حال دو قطبی شدن است. روسیه عقیده دارد کلیه برنامه‌های چین در پیمان شانگهای براساس منافع چین متمرکز می‌باشد و منافع جمعی کم‌رنگ‌تر است. پیشرفت‌های اقتصادی دو دهه گذشته چین سبب گردیده که این کشور به منابع عظیم مالی دست یابد و در پروژه‌های اقتصادی آسیای میانه جایگاه برتری را بدست آورد و در زمینه اکتشاف معادن و استخراج و دستیابی به انرژی این منطقه از روسیه جلو افتد و بازارهای آسیای میانه را از تولیدات خود متأثر سازد و صادرات آن به صورت تهدیدی برای اقتصاد و بازار این کشورها مطرح شود.

- برخی از کشورهای آسیای میانه که قبلاً تحت حاکمیت روسیه قرار داشته‌اند برای مهار روسیه مایلند که چین، هند، ایران و پاکستان در چارچوب پیمان شانگهای با آن‌ها تعامل بیشتری داشته باشند ولی از طرف دیگر مایل نیستند که چین در آینده به‌عنوان قدرت برتر و یا برادر بزرگ‌تر آن‌ها شود و جای روسیه را پر کند. این کشورها مایلند پیمان شانگهای وارد فاز سیاسی شود و برای ایجاد توازن در نظام بین‌المللی تلاش نماید و سدی در مقابل نفوذ آمریکا در منطقه شود تا آمریکا از پیگیری سیاست یک‌جانبه‌گرایانه تغییر رژیم و راه‌اندازی انقلابات رنگین در این منطقه دست بردارد.

- ازبکستان و تاجیکستان مایلند که امکان عضویت ایران در پیمان هر چه سریع‌تر فراهم شود تا پیمان شانگهای از طریق جمهوری اسلامی ایران بتواند خود را به کشورهای خاورمیانه نزدیک‌تر سازد و از بودجه کنفرانس اسلامی متنعم گردند. از نظر محققان این دو کشور جمهوری

اسلامی ایران و خاورمیانه می‌توانند باعث امنیت و آرامش در افغانستان و منطقه آسیای میانه شوند و با اتصال راه‌های ارتباطی و خطوط انتقال انرژی آن‌ها به جهان خارج مانع رقابت چین و روسیه در آسیای میانه بر سر تعیین مسیرهای ارتباطی آنان با جهان خارج گردند.

- خطوط انتقال انرژی، راه‌های ارتباطی آسیای میانه به جهان خارج و سیستم ارتباطات مخابراتی منافع کلانی در بر دارد که روسیه و چین از هم اکنون بر سر آن وارد تقابل شده‌اند. چینی‌ها عقیده دارند که مسیر خشکی و آبی و بنادر چین برای انتقال کالا و انرژی آسیای میانه امن‌ترین و اقتصادی‌ترین گزینه است و در این میان به تحولات چند ماه گذشته خطوط انتقال انرژی روسیه و اکراین اشاره می‌کنند و می‌گویند این مشکل در مسیرهای جنوب آسیا و غرب آسیا و همچنین منطقه قفقاز نیز ممکن است رخ دهد. اجرای پروژه‌های طولانی مدت اقتصادی در این کشورها دشوار است و نمونه دیگر انتقال گاز و نفت از ایران به هند و پاکستان می‌باشد که علی‌رغم مذاکرات طولانی هنوز عملیاتی نشده است. نظر محققان دولت روسیه در نقطه مقابل این نظریات است که برای این طرح چین چشم‌انداز روشنی را نمی‌بیند و می‌گویند این دیدگاه‌ها حاکی از جاه‌طلبی چین در قبال انرژی و مسائل اقتصادی آسیای میانه است و اگر اجرایی شود منافع سرشاری را عاید چین می‌کند و باعث وابستگی آسیای میانه به چین می‌شود. در بین اکثر محققان حاضر مسأله افغانستان مسأله حادی قلمداد گردیده و گفته شده است که کرزای و آمریکا از توان کافی برای مهار تهدیدات برخوردار نیستند آن‌ها تنها به کابل می‌اندیشند ولی در مقابل طالبان و تروریست‌های دیگر فشار سنگینی را بر دولت مرکزی تحمیل می‌کنند. تعداد ۲۰۰۰۰۰ نفر در رابطه مستقیم با کشت خشخاش و تجارت مواد مخدر قرار دارند که درآمد حاصل از آن نصیب تجارت اسلحه و اقدامات تروریستی در آسیای مرکزی می‌شود و به این طریق شورشیان آسیای مرکزی جانی دوباره گرفته‌اند. بنابراین پیمان شانگهای اکنون باید به صورت فعالانه‌ای در خصوص مسأله افغانستان وارد عمل شود تا امنیت کشورهای عضو و مخصوصاً ازبکستان و تاجیکستان تأمین گردد.

- چین تصمیم دارد ۲۰ میلیون دلار برای احداث سیستم‌های رایانه‌ای و یک شبکه بانکی ارتباط جمعی سازمان شانگهای تخصیص دهد. این تنها موضوع پیشنهادی مالی در اجلاس بود.